

حسین حقانی

عضوهیت علمی گروه الهیات

چکیده: بحث‌های ثروت‌های جامعه مسلمان که شعبه مهمی از اقتصاد اسلام به شمار می‌رود متأسفانه نه تنها برای اکثریت مردم ناشناخته باقی مانده و اطلاعات عموم مردم در باره آنها بسیار کم و ناقص می‌باشد، بلکه در میان دانشمندان و متخصصان علوم اسلامی نیز کمتر مورد توجه واقع شده و به اصطلاح فریب و مظلوم واقع شده است. علل و اسباب عدم توجه به این مسئله مهم، قابل بحث و بررسی است. در این مورد نظر مستشرقین و غرض‌ورزی آنها باید مورد توجه قرار گیرد. مقاله حاضر بخش اول در این مسئله مهم اسلامی است که از نظر آنان می‌گذرد و بخش‌های آینده در شماره‌های آینده انشا... به تدریج به نظر خوانندگان می‌رسد. چون در این بحث‌ها مقصود اصلی بیان دیدگاه اسلام در ثروت‌های عمومی است و یک بحث تخصصی و پژوهشی است ناچار ماخذ و منبع اصلی ما نیز محکمترین و اساسی‌ترین ماخذ اسلامی خواهد بود که عبارت از قرآن و احادیث معتبر وارد از پیشوایان اسلام است و لذا نکته اصلی در این سلسله از مقالات، بیشتر قرآن و احادیث معتبر اسلامی خواهد بود منتهی طبیعی است که مطالب تاریخی و نظرات علما و اهل فن در جنب این مطالب پیش خواهد آمد. اهمیت بیشتر این مسئله در این است که طبقاً با بحث‌های ولایت فقیه و وظایف ولی فقیه و کیفیت اختیارات و حدود او البته در محدوده بحث ثروت‌های عمومی، در رابطه مستقیم و نزدیک قرار می‌گیرد که در جای خود مفید است.

رتال جامع علوم انسانی

مانده است.

مسئله انفال از جمله مسائل مهم اساسی فقه اسلام به شمار می‌رود، ولی متأسفانه در نظر عده زیادی از مسلمین، جز جمعی از خواص و مطلع به احکام اسلام و قوانین آن، مبهم و نامعلوم است و اگر عده‌ای از آن اطلاعاتی کم‌وبیش داشته باشند، بسیار محدود و ناقص است. دلیل آن هم‌روشن است، زیرا این مسئله مهم اسلامی از طسرف نویسندگان و گویندگان، کمتر مورد بحث قرار گرفته و تنها در متون معتبر اسلامی، از قرآن و احادیث، از جنبه‌های مختلف، بیان شده و به منزله مواد خامی است که روی هم انباشته شده و دست‌نخورده باقی

اگر روی این مواد اصلی به صورت‌های مختلف کار می‌شد، مردم مسلمان از نظرات جالب اسلام در مورد ثروت‌های عمومی آگاهی می‌یافتند، و می‌دیدند که علی‌رغم تبلیغات دشمنان، اسلام، دینی جامع بوده و از جنبه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی نیز در مسائل زیربنایی جامعه مسلمان قوانینی همه‌جانبه ابراز کرده و موارد اصلی از طبیعت و زمین را در اختیار هیچ فرد بخصوصی نگذاشته و آن را جزو ثروت‌های عمومی به شمار آورده است.

نشده باشد، زمان طرح آن گذشته است.

از این رو می‌بینیم در ترجمه‌هایی که از قرآن به زبانهای خارجی انجام گرفته، کلمه "انفال" را در سوره انفال تنها به معنای غنائم گرفته‌اند.

چنانکه در ترجمه "مسترسیل" صفحه ۱۲۹ سطر ۲۵ چاپ لندن سال (۱۹۸۳م) و نیز ترجمه دیگر چاپ لندن صفحه ۱۸۱ سال (۱۹۵۷م) چنین ترجمه‌های نارسایی از کلمه انفال انجام گرفته است.

تذکر این نکته در اینجا لازم است که منابع اکثر مستشرقین و مترجمین خارجی، کتابهای اهل سنت است و اکثر مفسرین اهل سنت نیز از انفال، به غنائم جنگی تعبیر کرده‌اند و در نتیجه، این اشتباه برای مترجمین قرآن به زبانهای خارجی نیز پیش آمده است. حتی در برخی از ترجمه‌های انگلیسی قرآن، کلمه Spoils که به معنای غارت و خرابی هستند، در مورد انفال به کار رفته‌اند. بعضی دیگر، کلمه جنگ را نیز به آن اضافه کرده‌اند، به این معنی که مراد از انفال، غنیمت‌هایی است که تنها در جنگ به دست می‌آید.

بسیار مایه تاسف است که نوشته‌ها و مجموعه‌هایی که معرف عقاید و احکام شیعیان وابسته به اهل بیت عصمت و طهارت و خانواده وحی هستند اطلا مورد توجه دانشمندان و محققان دنیا و مستشرقین و مترجمین قرآن به زبانهای زنده دنیا نبوده، و گویا اسلام و قوانین آن همان هست که مفسرین و دانشمندان اهل سنت به

حال، ببینیم چرا مسئله‌ای به این اهمیت کمتر مورد بحث قرار گرفته است، علل مختلفی را می‌توان برای آن برشمرد که مسأله در مقام بیان آنها نیستیم. اما تذکر این نکته را در این جا لازم می‌دانیم که دشمنان اسلام و مسلمین، از قرنهای پیش، در جهت بیخبر نگه داشتن ملت‌های اسلامی از روح قوانین اسلام، بخصوص قوانین اجتماعی - اقتصادی آن، کوشا بوده‌اند و بایستد اعتراف کرد که تا حدودی نیز در این کار موفق بوده‌اند. علت آن هم این بوده که طرح این گونه مسائل در دورانهای طاغوتی و شاه سالاری، مانند زمان بنی امیه و بنی العباس خواه ناخواه، با مسئله وظیفه حکومت و کسانی که خود را حافظ حقوق اجتماع و امین اموال عمومی در امور دنیا و دین معرفی می‌کردند، اصطکاک پیدا می‌کرد و چه بسا طرح این گونه مباحث در آن زمانها، جنبه روشن کردن افکار عمومی را داشت، که در نظر عده‌ای جرم و گناه محسوب می‌شد!

ممکن است هم‌اکنون نیز کسانی باشند که مسئله انفال را، آن طور که حق است، تصور نکرده باشند و اهمیت آن را، به خصوص بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، ندانند، به طوری که ممکن است با شنیدن کلمه "انفال"، در اذهانشان، صحنه جنگ و خرابکاری و غارت و چپاول مجسم شود و پیش خود فکر کنند که انفال، همان غنائم جنگی است که در اثر جنگ به دست می‌آید، و در غیرمورد جنگ، مصادف ندارد، و لذا طرح آن برای جامعه، چندان مفید نیست. همچنین ممکن است برخی بپندارند که آیه "انفال" نسخ شده و در نتیجه، طرح آن نیز بیهوده است و یا اگر هم نسخ

۱- تذکر این نکته لازم است که کرچه آیه "فَاغْلَبُوا أَنفَا فَبَشِّرْتُمْ السَّخ" در سوره انفال در مورد غنائم جنگی است، لیکن به موجب روایات معتبر نزد شیعه، "خمیس" منحصر در غنائم جنگی نیست. در این باره به کتب لغوی مراجعه شود.

دنیا و افکار دانشمندان جهان عرضه می-دارند.

که آیا مورد سوال چه بوده و چه قسمت از آن منظور سوال کنندگان از پیامبر بوده است.

مباحث قابل بحث در انفال

- ۱- بررسی انفال از دیدگاه قرآن
- ۲- انفال از دیدگاه احادیث
- ۳- معنای کلمه انفال و دستورات دینسی در این باره
- ۴- موارد انفال در ایران و سایر ممالک اسلامی
- ۵- اختیار اموال عمومی به دست چه کسانی باید باشد؟
- ۶- انفال و خلفای بنی امیه و بنی العباس و سیر آن تا زمان حاضر

انفال از دیدگاه قرآن؛

در قرآن، تنها در دو مورد، کلمه "انفال" به کار رفته، آن هم در هشتمین سوره قرآن، که به همین مناسبت، "انفال" نامیده شده است. سوره با آیه انفال شروع می‌شود، که چنین است: **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ...** "از تو (ای پیامبر) راجع به انفال سوال می-کنند به آنها بگو که انفال مال خداست و فرستاده اوست".

از این آیه استفاده می‌شود که؛ اولاً این طور نیست که مسئله انفال مسئله مسلمین قرن ۱۴ و ۱۵ و قرنهای بعد باشد یعنی مسئله نوظهوری بوده و بعد از دوره رسول اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) پیدا شده باشد. اصل مسئله انفال و سوالات و ابهامات راجع به آن، از زمان نزول قرآن و در زمان نزول قرآن، در زمان حیات رسول خدا و ائمه (ع) میان مسلمانان وجود داشته است و بهترین دلیل آن، همین آیه است.

ثانیاً کلمه انفال، در آیه، مطلق بهمان شده و توضیح در باره آن داده نشده است

آیا سوال راجع به معنای انفال یا موارد آن بوده و یا راجع به مصرف آن؟ یک وقت ممکن است کسی سوال در باره معنای انفال کند و بپرسد انفال چیست و مورد آن کدام است؟ قطعاً چنین سوالی به این نحو پاسخ داده می‌شود که معنای انفال، فلان است و توضیح در باره آن داده می‌شود و یا گفته می‌شود موارد آن به قرار زیر است: اول و دوم و سوم... و یا ممکن است مورد سوال از مصرف آن باشد، به این ترتیب که انفال به چه مصرفی باید برسد و اختیار آن با کیست؟ آیا همه کس در هر حال و سمتی که باشد، می‌تواند در آن تصرف کند یا نه؟ احتمالات دیگری هم ممکن است در این مورد مطرح شود، اما از پاسخ قرآن به این سوال آنها روشن می‌شود که سوال از مصرف انفال است زیرا در پاسخ آنها چنین می‌فرماید:

قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ، یعنی "بگو انفال (یعنی معنای معهود از انفال که نزد مسلمانها معین و واضح است و ظاهر الف و لام نیز اشاره به آن معناست) مال خداست (یعنی انفال مربوط به خدا و مال خداست و باید در راه خدا صرف شود)، و راه خدا همان مصالح بندگان خدا و تهیه وسایل رشد و تکامل آنهاست و هرگز ملوک شخص خاصی نیست. مال فرستاده و نماینده خداست و نماینده خدا این اموال را می-خواهد چه بکند؟ آیا جایز است به نام خودش ثبت و ضبط کند و بعد از خودش نیز منتقل به وارث او شود؟ مسلماً نه؛ بلکه او به عنوان رسول خدا، یعنی نماینده خدا در میان مردم، که تمام مردم عاقلان او هستند و تحت تکفل او قرار دارند، آن را صرف مصالح عمومی می‌کند.

از این آیه اجمالا استفاده می‌شود که نظرها در زمان نزول قرآن از طرف عده‌ای سودجو و فرصت‌طلب، به مسئله انفال دوخته شده بود و از این ثروت عمومی، به نفع شخص خود استفاده می‌کردند و در مقام استفاده غیر مشروع از آن بوده‌اند گرچه در کتابهای فقهی که باب انفال را نوشته‌اند، عنوان آن را " مَا يَخْتَصُّ بِالْإِمَامِ " (یعنی آنچه مختص به امام و شخص امام است) قرار داده‌اند، و لکن مطالعه تاریخ ائمه (ع) روشنگر این حقیقت است که آنسان نیز انفال را در مصالح عمومی صرف می‌کردند در تواریخ معتبر می‌خوانیم که شخصی در زمان علی (ع) از دنیا رفت و برای او و ارثی نبود که به حضرت علی (ع) در این خصوص مراجعه کردند و آن مال را به ایشان سپردند. آن حضرت تمام مال را به بازماندگان شهدای در راه خدا که سرپرستی نداشتند و همسایه‌های فقیر آنها واگذار کردند، و چنانکه در آینده خواهید دید، این مورد یکی از موارد انفال است که اختیار آن در دست امام قرار دارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، امام علی (ع) این اموال را در اختیار بازماندگان شهدا قرار داد و این، به این معناست که علی (ع) به عنوان حاکم و امام وقت و امین اموال عمومی، آن را در محل و مورد ضروری به مصرف رساند.

مراد از انفال در قرآن چیست؟

در صفحات گذشته گفتیم که مسئله انفال در آیه‌ای از قرآن ذکر شده است. معنا و توضیح آن را نیز بیان کردیم. اما در این که مراد از انفال در آیه چیست؟ مفسران و محققان اسلامی اختلاف است. از جمله، در این مورد، القوال زیر را می‌بینیم:

۱- مراد از انفال غنائم جنگ بدر است، بنا بر این که الف و لام و " الانفال " به معنای عقل و اشاره به غنائم جنگی بدر باشد این قول از برخی از بزرگان صدر اسلام، از جمله " عکرمه " از ابن عباس و مجاهد و قتاده و ضحاک نقل شده است.

۲- مراد از انفال، غنائم سرایا (یعنی جنگهایی است که شخص رسول خدا در آنها شرکت نداشته و سپاه به سرکردگی یکی از امرای اسلام گسیل شده است). این قول نیز از حسن بن صالح، یکی از بزرگان صدر اسلام نقل شده است.

۳- مراد از انفال، برخی از غنائم جنگی از قبیل بنده و کنیز است که از مشرکین به دست مسلمین می‌افتد. و اینها مخصوص رسول خداست و ایشان به هر نحو که می‌خواهند در باره آنها عمل می‌کنند.

۴- برخی از مفسران می‌گویند که مراد از انفال، برخی از متاعها و اشیایی است که بعد از تقسیم غنائم باقی می‌ماند، از قبیل درختان باغ کشاورزی و غیر اینها. این، در روایتی از ابن عباس نقل شده است.

۵- برخی دیگر از بزرگان، از قبیل مجاهد، می‌گویند مراد از انفال، همان خمسی است که خداوند بر صاحبان خمس قرار داده است و در حقیقت، این آیه با آیه خمس نسخ شده است (به المیزان ج/۹ مراجعه کنید).

و لکن آنچه از مجموع صدر و ذیل آیه استفاده می‌شود این است که بین مسلمانان در صدر اسلام و خصوصا بین علما و بزرگان صحابه، در مسئله انفال و اینکه مراد از آن چیست؟ اختلافی وجود داشت، چنانچه مرحوم علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان، بعد از ذکر این مسئله، تصریح می‌کند که: " تفریعی " که در دنباله آیه نقل آمده، " فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم "،

بلکه این اختلاف در تمام غنائم جنگی
ماخوذ از دشمنان در هر جهاد دینی بوده
و هست.

تذکریک نکته

این نکته نیز روشن باشد که اختصاص مورد
آیه به غنائم جنگی ایجاب نمی‌کند که حکم
وارد در این آیه، منحصر به غنائم جنگی
باشد، زیرا مسئله مسلم در نزد فقها
و علمای علم اصول، این است که مورد،
مخصص واقع نمی‌شود. پس حکم آیه، نسبت به
هر آنچه که انفال نامیده می‌شود، مصداق
پیدا می‌کند. علاوه بر این، از صریح آیه
می‌فهمیم که انفال به هر معنایی که
باشد - بعداً توضیح خواهیم داد - مختص به
خدا و فرستاده اوست و هیچ فردی ز مومنین
تا چه رسد به جبابره و ملوک و خلفا،
در آن مشارکتی ندارند و خداوند به این
طریق، از اینها سلب مالکیت کرده، حق
این طایفه یا آن طایفه با آن طایفه‌رادر
مورد انفال - به جهت قطع ریشه اختلاف در
یک امر مهم مالی می‌کند و تنها امر
اطاعت خدا و رسولش آن هم با تعبیر
"ان کنتم مومنین" (اگر مومن باشید) -
می‌کند، و بدین ترتیب، اختلاف را در میان
مسلمین و جامعه اسلامی از اساس، فیصله
می‌دهد، به طوری که اختلاف در آن، نشانه
عدم ایمان به خدا و رسولش می‌باشد.

شان نزول سوره انفال

از ارباب این آیات با یکدیگر در این
سوره و تصریح به جریان جنگ بدر در شان
نزول این سوره، استفاده می‌شود که تمام
سوره غیراً موزن واقعه بدر نازل شده است.
از این رو از ابن عباس - یکی از مفسرین
عظامه بدر اسلام - نقل شده است که این
سوره به نام سوره "بدر" نامیده شده

دلالت دارد بر این که خصومتی بی‌سبب
مسلمانان و اختلاف آنان، در امر انفال
بود، زیرا معنای ذیل آیه، این است:
"پس، از مخالفت فرمان خدا بترسید
و سخنی را که میان شما (در باره انفال)
در جریان است، اصلاح کنید و خدا و پیامبرش
را فرمان برید، که شما مسلمان هستید."

این طور نیست که این آیه با صدر آیه
بیگانه باشد و تنها منظورش این باشد که
اصلاح ذات‌البین کنید، بدون اینکه نظری
به قبل آیه داشته باشد و لازمه این تفریع
واقع بین آیه، این است که سوال واقف
از مسلمانها از رسول اکرم (س) تنها برای
رفع خصومت و رفع ابهام و اختلاف در امر
انفال است.

این نوع تحلیل و توضیح آیه، اولاً موید
این است که قرائت مشهور در آیه "يَسْئَلُونَكَ
عَنِ الْأَنْفَالِ"، یعنی وجود کلمه "عَنِ"
در آیه صحیح باشد و فقدان آن، خلاف تحقیق
است و اگرچه آن، از برخی نقل شده است،
زیرا سوال به هنگامی که به "عَنِ" متعدی
شود، به معنای استعلام از حکم چیزی و خسری
می‌آید، اما در صورتی که سوال متعدی بنفسه
باشد، به معنای سوال از عطاء شیئی می‌کند
و در اینجا، مسلماً این مراد نیست، بلکه
معنای اول مورد نظر است.

ثانیاً، کلمه "انفال" به حسب مفهوم گرفته
شامل غنیمت جنگی و فتنه (فترت) است که پس از
تسلیم کفار و دشمنان اسلام به مسلمانان
مسلمانان می‌آید) هر دو می‌شود، ولیکن
مما دیق آیه انفال در مورد غنائم جنگی،
به طور مطلق است و منحصر به غنائم جنگی
بدر نیست، زیرا وجهی بر این تخصیص وجود
ندارد، برای اینکه اختلاف مسلمین در مصرف
غنائم جنگی در جنگ بدر از این جهت
نیست که این تنها در جنگ بدر اتفاق
افتاده است و منحصر به آن نباشد.

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (و از آنچه که غنیمت برده‌اید، بخورید که برای شما حلال و پاکیزه و گوارا است.)

از مطالعه مجموع این آیات و ترتیب مضمون برخی با برخی دیگر از آیات استفاده می‌شود که آیه دوم (وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ، الخ) بعد از آیه اول و سایر آیات نازل شده است، به قرینه این گفتار خدا: "إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ" زیرا ظاهر آیه این است که بعد از واقعه بدر و گذشتن زمانی از آن نازل شده است.

آیات نیز دلالت دارد بر این که مسلمانان در واقعه جنگ، که افرادی از دشمنان را در جنگ خود داشتند، در مورد آنها از رسول خدا کسب تکلیف کردند و ظاهراً می‌خواستند آنها را نکشند و از آنها فدیة بگیرند، که مورد عتاب واقع شدند و در آخر آیات نیز خوردن از مال غنائم برای آنها از طرف خدا تجویز شد و از این حکم آنها چنین استنباط کردند که مالک غنائم و انفال هستند و این را مسلم گرفتند. سپس در میان آنها اختلافاتی پیش آمد مبنی بر اینکه آیا حاضرین در جنگ می‌توانند مالک آنها باشند یا تنها مجاهدین و مبارزین - نه قاعدین - می‌توانند آنها را تصاحب کنند، و در صورت مالک بودن، آیا آنان آنها را بالسویه باید تقسیم کنند، یا نه؟ و در مثل این موارد اختلافی بین آنها پیش آمد مثل اینکه آیا مجاهدین سواره بیش از مجاهدین پیاده سهم می‌برند یا نه؟ و از این قبیل اختلافات باعث تفرقه در صفوف مبارزین و سربازان اسلام گشت و به مشاجره و تخاصم شدید کشیده شد و غیر این مشاجره به رسول خدا رسید و برای رفع این گونه اختلافات، آیه "قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَ

در این سوره پنج آیه در سه موضوع به حسب ترتیب ذکر شده که همه آنها به مسئله غنیمت در رابطه است:

۱- "يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ" (از تو ای پیامبر از کلمه انفال و مصرف آن سوال می‌کنند، بگو، انفال مخصوص خدا و رسول اوست.)

۲- "وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَسَاءَ لِلَّهِ خُمُسُهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لَذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" (بدانید که هر چه غنیمت ببرید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان است و اگر شما به خدا در روز (بدر)، همان روزی که میان حق و باطل جدایی افتاد و دو لشکر به هم خوردند و بر بنده خود نازل کردیم ایمان آورده باشید (این کار را خواهید کرد) و خدا بر هر چیزی توانا است.)

۳- "مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْوَءُ حَتَّىٰ يَتَّخِذَ فِي الْأَرْضِ ثَرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ يُرِيدُ الْأُجْرَةَ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ" (هیچ پیامبر را اسیر نباشد (و در باره آن حکم نتواند) مگر آنکه در زمین سخت جنگ کند شما ای مردم متاع دنیا را می‌خواهید و خدا برای شما (پاداش) آخرت می‌خواهد و خداوند، دارای عزت و حکمت است.)

۴- "وَلَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ" (اگر از جانب خدا حکمی (کتابی) پیش از این نبود، در چیزهایی که گرفته‌اید، عذابی بزرگ به شما می‌رسد.)

۵- فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَ تَقُوا اللَّهَ

علی رغم برخی از احتمالات آیه "فَكُلُّوا" مِنَّمَا غَنِمْتُمْ الْخ" و آیه "وَأَعْلَمُوا إِنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ الْخ" هرگز ناسخ آیه اول "قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ" نیست، زیرا آیه "فَكُلُّوا" ناظر به این است که منع کند مجاهدینی را که می‌خواستند تمام غنیمت حاصل از جنگ را به تنهایی تصرف کنند و آیه "قُلِ الْأَنْفَالُ" ناظر به این است که مالک اصلی، خدا و رسول اوست، بدون اینکه متعرض کیفیت تصرف و جواز آن باشد.

پس، نتیجه حاصل از این آیات، اینست که اصل مالکیت در انفال و غنائم جنگی، مال خدا و نماینده خداست، و بعد از خارج کردن یک پنجمش (یعنی $\frac{1}{5}$ آن) مربوط به مجاهدین و سربازان اسلام است که در آنها تصرف کنند و بهره بگیرند، خمس آن را نیز در مصرف خمس، مطابق آیه تشریح خمس، به مصرف برسانند.

أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ" نازل شد و حاکمیت همه آنان بر انفال نفی گردید و مالکیت خدا و رسولش بر آنها به صراحت بسمه مسلمانها اعلام شد و به این ترتیب، ریشه خصومتها قطع شد. سپس خود رسول خدا این غنائم را بین آنها به طور مساوی تقسیم کرد و سهمی را نیز برای کسانی که حاضر در جنگ بدر نبودند، کنار گذاشت و مجاهد را از قاعد و سواره را از پیاده، در این مورد، فرقی نگذاشت.

سپس آیه دوم، یعنی "وَأَعْلَمُوا إِنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ الْخ"، بعد از زمانی نازل شد. و رسول خدا (ص) از آنچه که از غنیمت به مبارزین و مجاهدین و غیر آنها، از سربازان اسلام، تعیین کرده بود، خمس را کم کرد و بقیه را به آنان داد.

این، حاصل کلامی است که از آیات مربوط به انفال در رابطه برخی با برخی دیگر، استفاده می‌شود. همچنین استفاده می‌شود که

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
